

مجموعه
آنچه گذشت

جلد ۵

از ما بریده‌ها

ترجمه: رضا اکبری آهنگر



فهرست

- ۰۸ — درباره گروه بزه‌های هنری حنیف
۱۳ — مقدمه
- ۱۶ — نقدی بر ادعاهای دکتر ابراهیم یزدی پیرامون نقشش در هجرت
امام به پاریس
- ۱۸ — بررسی ادعاهای دکتر یزدی
- ۲۳ — اولین بار چه کسی نامش را پیشنهاد کرد؟
- ۲۸ — بررسی ادعای جلال‌الدین قاسمی
- ۳۲ — گزارشی تفصیلی از متن و محتوای شبهه‌انتخاب بنی‌صدر به ریاست جمهوری
- ۳۶ — مقدمه چینی‌های حساب‌شده بنی‌صدر
- ۴۰ — ثبت‌نام تمام کاندیداهای ناهمگون
- ۴۲ — اتفاق نظر جریان اسلامگرا بر شایستگی آیت‌الله دکتر بهشتی
- ۴۵ — امام: رئیس‌جمهور نباید روحانی باشد
- ۴۸ — کاندیداهای جریان اسلامگرا
- ۵۰ — دکتر سید حسن آیت، کاندیدای ذخیره حزب جمهوری اسلامی
- ۵۱ — بی‌بصیرتی اکثریت خواص عضو جامعه روحانیت مبارز
- ۵۳ — نظر بانده منحرف مهدی هاشمی
- ۵۴ — جامعه مدرسین حوزه به موقع آگاه شد
- ۵۷ — امام: رئیس‌جمهور باید معتقد به ولایت فقیه باشد
- ۵۸ — نظارت فوق استصوابی موسوی خوئینی‌ها
- ۶۲ — چگونگی حذف مسعود رجوی از صحنه انتخابات
- ۶۳ — چرا عدم صلاحیت بنی‌صدر، برای موسوی خوئینی‌ها آشکار نشد؟
- ۶۵ — اسناد بنی‌صدر در لایحه جاسوسی

- ۷۰ — فرافکنی موسوی خوئینی‌ها
۷۳ — اعتراف بنی‌صدر
۷۵ — رقابت نفس‌گیر کاندیداها
۷۸ — شاخص میزان اعتقاد به ولایت فقیه
۸۰ — مهم‌ترین حامیان بنی‌صدر
۸۴ — مهم‌ترین حامیان جلال‌الدین فارسی
۸۵ — شبهه ایرانی‌الاصل نبودن فارسی
۹۰ — چرا از کاندیدای ذخیره استفاده نشد؟
۹۵ — حرکت انتحاری مجمع احیای تفکرات شیعی
۹۷ — افشای اسناد خیانت تیمسار مدنی
۹۸ — آندیدها به نفع یکدیگر کنار رفتند؟
۱۰۱ — انتخاب با شکوه
۱۰۳ — حزب جمهوری اسلامی شکست را پذیرفت، اما...
۱۰۶ — چگونه برگزاری مراسم تنفیذ
۱۰۸ — نامه حرمان امامت‌خواهی سران حزب جمهوری به امام
۱۱۶ — مروری بر روش‌های امام حسین علیه‌السلام در سرورش از جمهوری اسلامی
۷۱۱ — حسین حاج فرج‌الله در آغاز تا انجمن حجتیه
۱۲۱ — دانشجوی داروسازی در پرورش فلسفه علم
۱۲۴ — بازار گرم تقابل با مارکس
۱۲۷ — انقلاب فرهنگی و انقلاب سیاسی
۱۳۱ — ورود به مباحث تخصصی، خروج از دایره انصاف
۱۳۵ — دوم خرداد، گشایش نسبی برای امثال میرحسین
۱۴۲ — نگاهی به سیر صعودی مهندس میرحسین موسوی در عالم سیاست
۱۴۴ — مهندس موسوی قبل از انقلاب
۱۴۶ — حزب جمهوری، سکوی پرتاب
۱۴۷ — پنجمین گزینه نخست‌وزیری
۱۴۹ — دولتی کردن مردم
۱۵۱ — چپ‌ها و تحمیل نخست‌وزیر
۱۵۳ — قضیه ۹۹ نفر
۱۵۶ — اختلافات و جنجال‌ها
۱۵۸ — موسوی و پایان جنگ
۱۶۲ — استعفای تعجب‌برانگیز!
۱۶۵ — ضمیمه شماره ۱
۱۶۵ — تذکرات پایانی وصیت‌نامه امام خمینی (ره)
۱۶۶ — ضمیمه شماره ۲
۱۶۶ — فرمایشات مهم مقام معظم رهبری پیرامون ریزش‌ها و رویش‌ها

●

مجموعه حاضر حاصل تلاش چهار ساله است برای توصیف و تحلیلی جدید در تاریخ‌نگاری معاصر که بر بنای دشمن‌شناسی در اسلام تهیه و تنظیم گردیده است. این مبنای دلی که در تاریخ اسلام و بشریت تطوّر طولانی داشته و همواره علیه هر حاکمی که برپا گشته دشمنانی صف‌آرایی نموده و هرگاه ندای حاکمیت توحید برآورده؛ عده‌ای عنود آن حاکمیت گشته و به طرق مختلف مانع رشد و ترویج توحید در عالم شده‌اند. اساس، مسئله توحید است و تکلیفی که انسان را از بارگاه فطری خود بر آن می‌دارد تا در توصیف و ترویجش بکوشد؛ لکن دشمنان توحید همواره بوده و هستند تا این رویه مخدوس و منحرف گردد. در عالم جدید، انقلاب اسلامی مطلقاً بود بر غلیان این تموج فطری، و بروزی بود برای حاکمیت توحید در جهان؛ که برای بشر عصر جدید تکالیفی پدید آورد و موجی خروشان شد که پرهیز از آن ممکن نبود. انقلاب اسلامی حماسه‌ای است ولایی، که به هیچ وجه با تفکرات

شرقی و غربی یا اندیشه‌های مادی قابل قیاس نیست، خروش فطرت است، که فقط تبیین آن هر انسان بیدار دلی را مکلف می‌سازد به تحول و حماسه‌ساز بودن.

در اسلام، تبری (دشمن‌شناسی و دشمن‌ستیزی)، مقدمه تولی است^۱. بدون درک تبری، دغدغه و فعلی عملی و واقعی، به عاشق شدن و سماع حین محور ولایت منجر نمی‌شود و همگی افعال و اعمال، تنها عادت و بیانی تو خالی است. آن پیر فرزانه، چه زیبا مسیر را برای تمام انسان‌ها روشن ساخت و چه هنرمندانه سید شهیدان اهل قلم، در تبیین آن نوشت و بر آن بنیان آتش روح مقرب خدایی، تعریفی درخور بیان نمود: «او (امام خمینی) کتاب و سنت را در وجود خویش تفسیر کرد و مجهولات شریعت و طریقت را با مناجات بارک حیات خویش گشود و ما دانستیم که جهاد اصغر، شرط لازم جهاد اکبر است و اولیای مقرب خدا در تمام طول تاریخ، همواره بر همین سبیل زیسته‌اند»^۲ «اصل دین، جز حب و بغض نیست!»^۳ پس بدون شناخت دشمن، کدام دین و کدام راه را می‌توان اسلام نامید؟ و کدام مسیر توحید است.

دشمنی علیه حاکمیت دینی در تاریخ بشر و خود تاریخ اسلام بر دو بخش اساسی قابل تقسیم است؛ اول دشمنی علیه اساس و بنیان یک حاکمیت که مدعی عدم حق برای وجود آن حاکمیت است و دوماً تا

۱ امام صادق (ع): «دروغ می‌گوید کسی که ادعا کند ما را دوست دارد و از دشمنان ما براءت نمی‌جوید» (بحار الانوار، چاپ بیروت، ج ۲۷، ص ۵۸) و یا در جایی دیگر امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کسی در کفر دشمنان و ظالمین به حق اهل بیت شک کند کافر است. مَنْ شَكَّ فِي كُفْرِ أَعدَاءِ الظَّالِمِينَ لَنَا فَهُوَ كَافِرٌ (وسائل الشیعه، ج ۲۸، ص ۳۴۵ / بحار الانوار، ج ۸، ص ۳۶۶ / بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۶۲) - برای کسب اطلاعات بیشتر، از این دست روایات در جلد ۲۷ بحار الانوار چاپ بیروت بسیار آمده است.

۲ شهید آوینی - مقاله داغ بی تسلی - از کتاب آغازی بر یک پایان - ۱۳۶۸ - کانون فرهنگی ایثارگران - سال نشر ۱۳۷۳ - ص ۱۲.

۳ قال الصادق (ع): هل الدین الا الحب و البغض. {مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۲۷ / مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۲۹ / بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۶۳}

قبل از ایجاد و قاطعیت حاکمیت بروز داشته و پس از ثبوت حاکمیت به شکلی بیرونی این دشمنی ادامه دارد و دوم دشمنی در درون حاکمیت است که به دلایل گوناگون و برای تأمین منافع مختلف، مانند حسادت‌ها، تفاوت دیدگاه در تعریف منفعت، تأمین منافع دشمن بیرونی و غیره از درون حاکمیت بارز می‌شود. موارد مطروحه در مجموعه حاضر معطوف به توصیف و توضیح دشمن درونی بوده و در ساحت‌های گوناگون این دشمنی را مورد بررسی قرار داده است.

در این هشت جلد تلاش شده با شیوه‌ای جدید ابعاد پیچیده رفتار علیه حاکمیت توحیدی، از درون حاکمیت و تابعین آن در ساحت‌های گوناگون مورد کنکاش قرار گیرد و برای این مهم از روابط نشانه‌شناسانه در ارائه مفاهیم استفاده شده است و موضوعات از وجوه گوناگون و به شکل مجموعه مطالعات کوتاه مورد بررسی قرار گرفته، که حاصل مجموع مطالب ارائه شده، فهمی است از دشمنی علیه یک حقیقت تاریخی، و تحلیلی مستند است؛ بر جهان تاریخ انقلاب اسلامی در وجوه شخصیت‌های علیه حاکمیت و تطوّر و تبدیل آن‌ها، جریان‌های سیاسی و تحولات و دیدگاه‌ها، شخصیت‌های انقلابی و پیشرو در تبیین انقلاب اسلامی با دیدگاهی جهانی، که به مقابله با این دشمنی پرداخته و شهید گشته‌اند.

امید است مطالعه این مجموعه دیدی حقیقت‌جو به مخاطب خود داده و مطلق‌گرا باشد بر تحقیقی جامع‌تر و انگیزه‌ای برای کنکاش حقیقت انقلاب اسلامی.

والسلام علیکم
گروه پژوهشی هنری حنیف
۱۳۹۳/۱۱/۲۶

● مقدمه

در طول تاریخ با نمونه‌های فراوانی روبه‌رو می‌شویم که فردی از فعالان نهضت، گروه و یا حزبی بوده اما به دلایل گوناگون به تدریج یا دفعتاً از همراهانش جدا شده است. برخی پس از جدایی به گوشه‌ای خزیده و برای همیشه با این گونه فعالیت‌ها خدا خائن نموده‌اند، اما برخی دیگر نه تنها از عملکرد گذشته خود پشیمان نیستند بلکه خواسته یا ناخواسته به لشکری پیوستند که تا دیروز آن‌ها را دشمن می‌دانستند. تاریخ انقلاب اسلامی ایران نیز متأسفانه از این گونه افراد به خود دیده است. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند: «دل از آن نمکین می‌شود و می‌شکند به خاطر اینکه چرا کسانی که نان انقلاب را خوردند، نان اسلام را خوردند، نان امام زمان را خوردند، دم از امام زمان زدند، دم از ائمه معصومین زدند، حالا طوری مشی کنند که اسرائیل و امریکا و سیا و هر کسی که در هر گوشه دنیا با اسلام دشمن است، برایشان کف

بزند! این، انسان را غصه‌دار می‌کند.»

در این کتاب به چهار نمونه از جاماندگان کاروان انقلاب پرداختیم که هر چهار نفر ظاهراً در قید حیاتند اما هر از چندی با موضوعی بر طبل مرگ شخصیت خویش بیشتر می‌کوبند. اولین آن‌ها دکتر ابراهیم یزدی است. کسی که سعی می‌کند تا با بیان خاطرات و ادعاهای حیرت‌انگیز، انتقام جا ماندن خود را از تاریخ انقلاب بگیرد. ادعای پیشنهاد وی به امام برای هجرت به پاریس، یکی از این سخنان است که در اولین مقاله به میزان صحت و سقم آن پرداخته شده است.

مقاله دوم گزارشی است تفصیلی از متن و حاشیه‌ی روند معروفیت و سپس انتخاب ابوالحسن می‌صدر به ریاست جمهوری. موضوع مهمی که باید برای خواص و عامیان ما عبرت آموز شود. در این مطلب سعی شده تا به دور از تعارف‌ها، مصلحت‌اندیشانه، علل مختلف خطای اکثریت جامعه ایران در انتخاب این رئیس‌جمهورش بررسی شود. موضوع مهمی که می‌تواند برای انتخاب‌های بعدی، تجربه‌ای تلخ اما مفید باشد.

سومین مقاله به روند تدریجی جدا شدن یکم دیگر از این افراد پرداخته است. عبدالکریم سروش که در اوایل از محبوب‌ترین چهره‌های زیادی امیدوارانه به او می‌نگریست، اما کم‌کم از جاده همراهی با جمهوری اسلامی خارج شد و به جایی رسید که پس از مستبد خواندن نظام، اعانت‌های گذشته خود را سهوی دانست و به خاطر آن‌ها طلب آمرزش کرد! در نگارش این زندگینامه مختصر، از مقالاتی که مخالفان و موافقان سروش نوشته‌اند، فراوان استفاده شده که از همه آن‌ها سپاسگزارم.

آخرین مقاله نیز نگاهی دارد بر سیر صعودی مهندس میر حسین موسوی در عالم سیاست. هرچند که بسیار مجمل است و سخن در این

باب فراوان، اما کلیتی از چگونگی و عوامل پشتیبانی‌کننده ترقی مهندس موسوی را برای خواننده به تصویر می‌کشد. ارتقایی که در اوج آن اتفاقاتی افتاد که احتمال عدم توانایی و جا ماندن او را نیز نشان می‌داد. آنچه که مسلم است این گونه ریزش‌ها، عبرتی است برای رویش‌های انقلاب. رویش‌هایی که از ریزش‌ها بیشتر بوده و به یاری خداوند متعال و عنایات حضرت ولی عصر (عج)، تحت زعامت مقام معظم رهبری روزی روزگار آن‌ها افزوده می‌شود. انشاء الله

رضا اکبری آهنگر

www.ketab.ir